



The Impact of the Resistance Axis on Iran-US Conflicts in the Middle East and North Africa

Homa Abbaszadeh^{1*}, Mohsen Eslami²

1. M.A in International Relations, Tarbiat Modares University

2. Associate Professor, Faculty of Humanities, Department of International Relations, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Abstract

The Middle East and North Africa (MENA) region has long held significant geopolitical and strategic importance for global powers. The Islamic Revolution's victory precipitated fundamental transformations in these regions, creating challenges among world powers - particularly the confrontation between revolutionary Iran and U.S. political arrangements. The necessity of exporting the Islamic Revolution to maintain its dynamism led to the formation of the Axis of Resistance, which continues to develop under Iran's pivotal leadership. Iran's central role in strengthening the Axis of Resistance has not only dissatisfied the United States but has increasingly created contradictions between the two nations, resulting in serious challenges across West Asia and North Africa. This study examines the Axis of Resistance's impact on Iran-U.S. conflicts in these regions through a descriptive-analytical methodology and library research, utilizing the theoretical framework of ontological security. The research hypothesis posits that Iran's formation and strengthening of the Axis of Resistance has intensified conflicts with the United States. Findings confirm that as the Axis has increasingly emphasized ontological security in its operations, Iran-U.S. conflicts in MENA have correspondingly intensified.

* Corresponding Author:

h.abbaszadeh@modares.ac.ir



Copyright© 2025, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution- NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms

Introduction

National policies are invariably shaped by both internal and external factors. Ideological, cultural, economic, and political considerations fundamentally influence international relations, creating grounds for either conflict or cooperation. The Islamic Republic's foreign policy, rooted in revolutionary Islamic ideology, has maintained an inherent opposition to U.S. interests since the Revolution's inception. The MENA region's geopolitical significance has made it an arena for competing visions: U.S. expansionist programs versus Iran's justice-seeking, independence-promoting activities. Iran's most consequential regional initiative has been establishing and strengthening the Axis of Resistance while promoting revolutionary ideals. This study analyzes the Axis's impact on Iran-U.S. conflicts through descriptive-analytical methods and library research, testing the hypothesis that the Axis's consolidation has exacerbated bilateral tensions in MENA.

Methodology

This study employs a descriptive-analytical approach drawing on diverse library resources including scholarly books, journal articles, official documents, research reports, and reputable digital sources to systematically examine the Axis of Resistance's impact on Iran-U.S. conflicts in West Asia and North Africa.

Results and Discussion

The research demonstrates a direct correlation between the Axis of Resistance's ontological security focus and escalating Iran-U.S. conflicts in MENA. The fundamental incompatibility between Iran's Islamic revolutionary objectives and U.S. strategic interests precludes meaningful reconciliation under current conditions.

Conclusions

The Islamic Republic pursues its values transnationally, supporting justice-oriented movements while opposing hegemonic powers. Iran's regional strategy combines national defense with visionary goals of establishing an Islamic civilizational order. The ontological security paradigm explains why conflict reduction remains improbable absent fundamental changes in either nation's core principles and practices. Recent escalations, including General Soleimani's assassination and U.S. support for Zionist crimes, have further intensified tensions. Only

transformative ideological and practical adjustments by both parties could potentially mitigate conflicts - a prospect currently precluded by their diametrically opposed worldviews and security conceptions.

Keywords: Middle East, North Africa, Resistance Thought, Iran-US Relations, Ontological Security, Islamic Revolution

تأثیر محور مقاومت بر تضادهای ایران و آمریکا در غرب آسیا و شمال آفریقا

هما عباسزاده^{۱*}، محسن اسلامی^۲

۱. کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۲۶

چکیده

غرب آسیا و شمال آفریقا به دلایل ژئوپلیتیکی و استراتژیکی، از دیرباز برای قدرت‌های بزرگ از اهمیت بالایی برخوردار بوده‌اند. با پیروزی انقلاب اسلامی تغییر و تحول اساسی در این مناطق ایجاد شده و چالش‌هایی را میان قدرت‌ها به وجود آورده است. از مهم‌ترین این چالش‌ها تقابل انقلاب اسلامی با ترتیبات سیاسی آمریکاست. لزوم صدور انقلاب اسلامی جهت پویایی و حفظ آن، موجب شکل‌گیری محور مقاومت شده و با نقش محوری جمهوری اسلامی ایران، در حال توسعه و عمق‌بخشی به این انقلاب است. نقش قانونی و حمایتی ایران از محور مقاومت، نه تنها مورد رضایت آمریکا نبوده، بلکه بیش از پیش در تضاد با یکدیگر قرار گرفته‌اند به طوری که این دو کشور هم در غرب آسیا و هم در شمال آفریقا با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند. از این رو پرداختن به تأثیر محور مقاومت بر تضادهای میان ایران و آمریکا در این دو بخش غرب آسیا و شمال آفریقا اهمیت داشته و شناسایی آن‌ها برای کنشگری منطقی و حساب‌شده در تحرکات و مناسبات، ضرورت می‌یابد. بنابراین مقاله پیش رو در صدد بوده پاسخ سؤال «محور مقاومت چه

تأثیری بر تضادهای میان ایران و آمریکا در غرب آسیا و شمال آفریقا دارد» را به روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای و با استفاده از چارچوب نظری امنیت هستی‌شناختی تبیین کند. با فرض اینکه تشکیل و تقویت محور مقاومت از سوی ایران موجب تشدید تضادهای میان ایران و آمریکا در غرب آسیا و شمال آفریقا شده، یافته‌های پژوهش حاکی از آن بوده است که هرچه محور مقاومت در عملکرد خود بر امنیت هستی‌شناختی پافشاری کرده، تضادهای غرب آسیایی و شمال آفریقایی ایران و آمریکا تشدید یافته است.

واژه‌های کلیدی: غرب آسیا، شمال آفریقا، تفکر مقاومت، روابط ایران و آمریکا، امنیت هستی‌شناختی، انقلاب اسلامی.

مقدمه

بی‌شک کشورها و دولت‌ها در عملکرد پیرامونی خود متأثر از عوامل درونی و بیرونی هستند. مسائل مربوط به اندیشه، فرهنگ، اقتصاد و سیاست ازجمله مسائلی است که در تعامل و روابط میان کشورها مورد توجه بوده است و موجبات تعارض یا همکاری را فراهم می‌کنند. نظام سیاسی حاصل از انقلاب اسلامی ایران، تعاملات و روابط خود را با سایر کشورها و دولت‌ها براساس اندیشه اسلامی پایه‌ریزی و در سطوح مختلف کنشگری می‌کند. نظر به اینکه انقلاب اسلامی واکنشی در برابر تحقیر و استعمار قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا بوده، بدیهی است که در سیاست‌های آن از بدو شکل‌گیری اش منافع و دیدگاه‌های متضاد و متعارض نهفته باشد. بنابراین تعارض‌ها و تضادهای موجود میان ایران اسلامی و آمریکا چیزی نیست که در مرحله‌ای از زمان ایجاد شده باشد، بلکه از ابتدا و به‌طور ذاتی در اندیشه‌ها و راهبردهای دو کشور تقابل وجود داشته است. با توجه به اینکه منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا به‌دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، مرکز توجه و علاقه بسیاری از کشورها و قدرت‌های بزرگ ازجمله آمریکا است، برنامه‌های منفعت‌طلبانه و توسعه‌طلبانه آن‌ها با فعالیت‌های عدالت‌خواهانه و استقلال‌طلبانه ایران اسلامی، در تضاد

است. مهم‌ترین فعالیت ایران در غرب آسیا و شمال آفریقا، تشکیل و تقویت محور مقاومت و ترویج اندیشه انقلاب اسلامی است. بنابراین تأثیر محور مقاومت بر این تضادها اهمیت می‌یابد. جهت شناسایی و تحلیل درست از واقعیت‌های این مناطق و پیش‌بینی‌های هوشمندانه برای حفظ منافع و امنیت کشور، ضروری است که به تأثیر آن پرداخته شود. از این رو هدف این مقاله، بررسی تأثیر محور مقاومت بر تضادهای غرب آسیایی و شمال آفریقایی ایران و آمریکا بوده و بنا دارد پاسخ سؤال «محور مقاومت چه تأثیری بر تضادهای میان ایران و آمریکا در غرب آسیا و شمال آفریقا دارد» را به شیوه توصیفی - تحلیلی، با گردآوری کتابخانه‌ای تبیین کند. فرض بر آن بوده که تشکیل و تقویت محور مقاومت از سوی ایران باعث می‌شود تضادهای بین ایران و آمریکا در غرب آسیا و شمال آفریقا افزایش یابد.

روش تحقیق

این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از گردآوری منابع کتابخانه‌ای اعم از کتاب، مقاله، اسناد، گزارش‌های علمی و سایت‌های معتبر، به تبیین تأثیر محور مقاومت بر تضادهای ایران و آمریکا در غرب آسیا و شمال آفریقا می‌پردازد.

چارچوب نظری: امنیت هستی‌شناختی

نظریه امنیت هستی‌شناختی در مطالعات سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، به منازعات و مناقشات پایدار می‌پردازد که استقرائده از نظریه وجود انسانی آنتونی گیدنز است. به‌طوری که در سطح فردی، یک فرد اساساً نیازمند حس تداوم و نظم در حوادث، به‌خصوص در محیط ادراکی خود است. یعنی دیگران فرد را چگونه که خودش میل دارد بشناسند. این درک از خود، روایتی مداوم و مستمر از وجود خود فرد است که رابطه تنگاتنگی با امنیت هستی‌شناختی دارد. پس امنیت هستی‌شناختی به‌واسطه اعتقاد به صحت روایت یا گفتمان منقول مبتنی بر اصول بنیادین قابل اعتماد و اطمینان حاصل می‌شود. درواقع «تشویش و

نگرانی وجود» و «امنیت هستی‌شناختی» دو عنصر مهم و اساسی نظریه وجود انسانی گیدنز به‌شمار می‌روند (Giddens, 1991). توجه نظریه‌پردازان حوزه روابط بین‌الملل به این نظریه در سطح ملی نیز حائز اهمیت است. از نگاه آنان نه‌تنها افراد دنبال به‌دست آوردن امنیت هستی‌شناختی جهت حیات خود هستند، بلکه همه کنشگران اجتماعی از جمله کشورها نیز در تلاشند تا امنیت هستی‌شناختی و امنیت هویتی خویش را کسب کنند. بنابراین کشورها سعی دارند علاوه بر تأمین امنیت فیزیکی و مادی مثل سرزمین و حاکمیت خود، امنیت هویتی خویش را که منشأ منافع پایدار است به‌دست آورند. انگیزه امنیت هستی‌شناختی در رفتار سیاست خارجی کشورها رابطه عمیقی با هویت و بی‌اعتمادی و عدم قطعیت دارد که نبود اطمینان و قطعیت به دلیل پیش‌شرط بودن «هویت» برای کنش، «احساس خود بودن» را دشوار کرده و کنش را دچار مشکل می‌کند (Giddens, 1991).

راهبرد روال‌مندی و عادی‌سازی در تعاملات و رویه‌های رفتاری با سایرین، شیوه‌ای است که کشورها می‌توانند مسئله عدم قطعیت را رفع کنند. پس تمام کشورها این نیاز هویتی را به‌واسطه عادی‌سازی و روال‌مندی در تعامل‌های اجتماعی خود تأمین می‌کنند. ولی روش کشورها برای ساختن و به‌وجود آوردن این عادت‌ها و روال‌مندی‌ها با یکدیگر تفاوت دارد. کشورها برای هویت خود ارزش حیاتی قائل بوده و نسبت به آن متصلبند. بنابراین عادت‌های خود را به دید اهداف و غایت می‌نگرند و در صورت کم‌ترین وقفه و گسست در رویه‌ها و عادت‌هایشان احساس تهدید می‌کنند. پس می‌توان گفت نظریه امنیت هستی‌شناختی نوعی دیگر از معمای امنیت را برجسته کرده که با معمای امنیت فیزیکی متفاوت است (Mitzen, 2004). با توجه به معمای امنیت می‌توان گفت که امکان تضاد و تعارض میان امنیت هستی‌شناختی و امنیت فیزیکی وجود دارد، چراکه تنها یک رابطه مناقشه‌آمیز هم دارای توان تأمین‌کنندگی امنیت هستی‌شناختی است. درواقع نوعی عمد در منازعه قطعی و پایدار از سوی کشورها اتخاذ می‌شود. پس در شرایطی که منازعات مستمر تأمین‌کننده نیازهای هویتی کشورها هستند، وقفه آگاهانه و اختیاری آن باعث ناامنی و بی‌ثباتی کشورها می‌شود. علاوه بر این، نظریه امنیت هستی‌شناختی درباره نحوه خاتمه

مناقشات پایدار و طولانی مدت فرضیه سازی می کند. امکان پایان منازعات مکرر و مستمر در عادت های روزمره نهفته بوده، به طوری که امکان تغییر هویت و پایان منازعات و مناقشات بر اثر تغییر رویه ها و عادت ها وجود دارد (Mitzen, 2004).

پیشینه پژوهش

طبق بررسی های انجام شده کتب، مقالات و پژوهش های علمی قابل توجهی در حوزه های مختلف محور مقاومت، سیاست خارجی ایران و آمریکا و تضادهایشان، به نگارش درآمده است. برخی از آن ها، عبارت است از: سید جلال دهقانی فیروزآبادی در مقاله ای با عنوان «امنیت هستی شناختی در سیاست جمهوری اسلامی ایران» (۲۰۰۹)، معتقدند با وجود تحول در رویه ها، سیاست خارجی جمهوری اسلامی دارای تداوم بوده و اصول و مبانی ثابتی داشته است. حسین دهشیار در کتاب «سیاست خارجی آمریکا (واقع گرایی لیبرال)» (۲۰۰۹)، جان مرشایمر^۱ در «تراژدی سیاست قدرت های بزرگ» (۲۰۰۱) می گویند، پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی، اجماع لیبرال ها در سیاست خارجی آمریکا، بر همراه کردن مؤلفه های ارزشی با واقع گرایی مبتنی بر سنجش ظرفیت ها و امکانات موجود بوده است. نعمت الله مظفرپور، در کتاب *رویارویی آرمانشهرگرایان* (۲۰۱۲)، با اشاره به بنیادها و نهادهای سیاسی ایران و آمریکا، اختلافات و تعارضات سطح کلان دو کشور را بیان کرده است. رضاداد درویش در کتاب *مقاومت و محور مقاومت؛ نظریه و عمل* (۲۰۲۱)، کنشگری جمهوری اسلامی ایران در بین الملل را براساس آموزه های اسلامی عنوان کرده است. آرون مایکل کریگ ریچاردز^۲ (۲۰۱۵)، در «ایران به عنوان یک تهدید استراتژیک برای آمریکا در خاورمیانه و تأثیر آن بر سیاست ایالات متحده در منطقه» برنامه هسته ای و سیاست خارجی و دفاعی ایران را تهدیدی برای هژمونی آمریکا در خاورمیانه بیان داشته است.

1. John Mearsheimer

2. Aaron Michael Craig Richards

حجت‌اله صفرپور و همکاران در مقاله «واکاوی چگونگی عوامل مؤثر بر محور مقاومت در سیاست‌های منطقه‌ای در غرب آسیا (اهداف و منافع)»، (۲۰۲۱)، بیان کرده‌اند که تجربه جدید غرب آسیا از سال ۲۰۱۱ به دلیل تحولات گوناگون در این منطقه حاکی از افزایش درگیری‌هاست. واقع شدن این منطقه در کانون تحولات سیاسی و ژئوپلیتیکی، سبب شده که انرژی، صلح و امنیت تحت تأثیر قرار گیرد. اما تقابل دو جبهه مقاومت (با محوریت جمهوری اسلامی ایران) و آمریکا (به همراه متحدانش از جمله رژیم صهیونیسم و کشورهای هم‌پیمان دیگر در این منطقه)، در درجه اول این تحولات قرار دارند. این تقابل به دلیل تأثیر عمیق انقلاب اسلامی بر روح ملت‌های مقاومت بوده و این امر برای اندیشمندان غربی انکارناپذیر است. لذا حمایت از صهیونیسم، ایجاد داعش و پدید آوردن شرایط ناامنی در این منطقه برای مقابله با این اثرگذاری عمیق است.

مجید عباسی و فاطمه محمودزاده در مقاله «تحلیلی بر حمایت ایدئولوژیک ایران از محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا» (۲۰۲۲)، معتقدند جمهوری اسلامی ایران طبق هویت اسلامی - ایرانی خود و با تکیه بر منافع ملی و باورهای انقلابی در منطقه غرب آسیا، به حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش، محور مقاومت به‌ویژه ملت فلسطین و لبنان که هویت مشترک دارند، می‌پردازد.

میثم میرزایی‌تبار در مقاله «تبیین ژئوپلیتیکی حضور ایالات متحده آمریکا در منطقه شاخ آفریقا» (۲۰۲۴)، اهمیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی و ... شمال آفریقا را دلیل بازیگری ایالات متحده آمریکا در این بخش عنوان کرده و با وجود اولویت نداشتن آفریقا در سیاست خارجی آمریکا، همچنان از نظر میزبانی پایگاه نظامی به بهانه مبارزه با تروریسم حائز اهمیت است.

طهمورث غلامی در مقاله «سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در آفریقا» (۲۰۲۴)، ترویج دموکراسی و مبارزه با افراط‌گرایی و خشونت را از جمله سیاست خارجی آمریکا در آفریقا بیان کرده و معتقد است در حال حاضر آمریکا این سیاست‌ها را رها کرده و مبارزه با تروریسم در پیش گرفته که صرفاً محدود به گروه‌های تهدیدکننده منافع آمریکا هستند.

وجه تمایز مقاله پیش رو با منابع ذکرشده، بیان تأثیر محور مقاومت بر تعارض‌های غرب آسیایی و شمال آفریقایی ایران و آمریکا و تحلیل رابطه متغیرهای یادشده براساس امنیت هستی‌شناختی بوده است.

تجزیه و تحلیل

با بیان پیشینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اندیشه صدور انقلاب اسلامی به فراتر از مرزهای این کشور به‌ویژه کشورهای با هویت مشترک و پیشینه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در غرب آسیا و شمال آفریقا، تضادهای جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا با توجه به تأثیرات محور مقاومت بیان می‌شود.

محور مقاومت

محور مقاومت یک اصطلاح سیاسی است که روزنامه لیبیایی به نام «الزحف الأخضر» برای اولین بار در قبال اصطلاح «محور شرارت» جرج بوش، به‌کار برد. درواقع مجموعه کشورهایی که در مقابل آمریکا و سلطه‌گری‌هایش به پا خاسته بودند، محور مقاومت نامیده شدند (Karimi, 2018). مقاومت یعنی ایستادگی در برابر سلطه، مبارزه با وابستگی به قدرت‌ها و نوکر نشدن در برابر قدرت‌ها (Khamenei, 2025: 1). گفتمان محور مقاومت دارای دو بخش نفی یا سلبی، اثبات یا ایجابی است. بخش نخست آن ستیز با هرگونه ظلم و سلطه بوده و بخش دیگرش عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، اسلام‌خواهی و عزت‌طلبی، آزادی‌خواهی و صلح‌طلب، و گرایش به عقلانیت، حکمت و مصلحت و آرمان‌گرایی و واقع‌بینی، که مهم‌ترین وجوه گفتمان مقاومت هستند. مقاومت، تولیدشده از قدرت است. در وزن بین قدرت و مقاومت، آنکه برتری دارد قدرت است و چنانچه مقاومت تسلیم شود خنثی می‌شود. بنابراین میزان و نحوه مقاومت در مقابله با مقاومت و قدرت تعیین‌کننده خواهد بود، چراکه مقاومت از ابزارهای حداقلی در قبال قدرت برخوردار است جز اینکه

دارای ایدئولوژی است. ایدئولوژی، توان مضاعفی را توسط پشتوانه مردمی قوی به وجود می آورد (Karimi, 2018).

شکل گیری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نهادی برای حفظ دستاوردهای انقلاب ایران، در فرهنگ راهبردی ریشه دارد. از آنجایی که اسلام، مهم ترین و اصلی ترین عامل مؤثر بر فرهنگ راهبردی ایران است، (Gray, 1981) نظام بین الملل نیز از روزه دو مفهوم قرآنی مستکبر و مستضعف معنا می شود. وظیفه ایران به عنوان یک کشور اسلامی آگاهی بخشی به جوامع مختلف به خصوص کشورهای اسلامی و رهایی بخشی آنان از ظلم و سلطه به واسطه صدور انقلاب است (Taremi, 2014). از این منظر تشکیل نیروی انقلابی ایدئولوژیک ضروری است (Ostovar, 2016). با آغاز جنگ تحمیلی، سپاه پاسداران به عنوان سازمانی نظامی گسترش یافت که دو راه را در پیش روی خود می دید: یکی شهادت و عزیمت به بهشت و دیگری پیروزی بر دشمن و ایجاد حکومت عدالت طلبانه جهانی مبتنی بر اسلام. در میان سپاه پاسداران، اصلی ترین و مهم ترین عمل گرایی در نیروی قدس است که از همه گروه های مقاومت پشتیبانی می کند و خود بخشی از مقاومت بین المللی است. با انتصاب سپهبد سلیمانی در سال ۱۳۷۶ به فرماندهی سپاه قدس، برخی تهدیدات رفع شد و نفوذ ایران در منطقه رو به فزونی نهاد. سپاه رمضان عراق، شامات سوریه، لبنان و فلسطین، انصار افغانستان و پاکستان، رسول الله شبه جزیره عربستان، از جمله مناطق عملیاتی مهم سپاه قدس محسوب می شوند (Vazirian, 2011).

سپاه قدس که بخشی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران بوده و جهت عمل کردن به رسالت دفاعی - امنیتی ایران را با رویکرد فرامنطقه ای، فراملیتی و فرامرزی بر عهده دارد. نیروی قدس با ایجاد شبکه های بازدارنده در منطقه غرب آسیا اصلی ترین راهبرد در دکترین دفاعی موزاییکی است. نیروهای آن دارای تجارب و مهارت ها و کیفیت فوق العاده در دفاع سرزمینی و منافع برون مرزی هستند. از نظر کارشناس مرکز امنیت نوین آمریکا، نیکولاس هراس، نیروی سپاه قدس سازمانی است با عملیات های نامنظم که بیشتر اوقات عملیات دفاع ملی خارجی را با جنگ های نامتقارن ترکیب می کنند. از این جهت تفاوتی با نیروهای

ارتش ویژه آمریکا ندارد و از جمله عرصه‌های مهم نیروی قدس عراق و سوریه است (Fathi et al., 2021).

راهبرد اصلی جمهوری اسلامی ایران از آغاز بحران سوریه حفظ و بقای بشار اسد در جمهور قدرت بوده است. در این راستا از ابتکارات سردار سلیمانی به‌عنوان فرمانده مقاومت، توافق نظامی - امنیتی با روس‌ها بود که در مقابل گروه‌های معارض تروریستی داعش، تزریق شده توسط آمریکا، در خاک سوریه بود. از دیگر شاهکارهای شخص سلیمانی، مدیریت پرونده سوریه و ائتلاف راهبردی ایران و روسیه جهت تقابل حداکثری با گروه‌های تروریستی و مهار کردن آن‌ها در عرصه مبارزه بود. قدرت و توان شبکه‌سازی نیروهای بومی و محلی تدبیر هوشمندانه شخص سلیمانی است. از برجسته‌ترین دستاورد دیگر او آزاد کردن شهر بوکمال که تحت اشغال داعش بود و به باز شدن مجدد گذرگاه مرزی بوکمال - القائم منجر شد (Erfanifar, 2021).

حزب الله لبنان به‌عنوان فعال فروملی و غیردولتی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی، بسیج منابع و امکانات و شکل‌دهی مقاومت در برابر استکبار را هدف اصلی خود قرار داده است. مقاومت اسلامی لبنان براساس دو پارادایم «هیئات من الذله» و «کربلا» بوده که آن هم مبتنی بر فرهنگ شهادت‌طلبی در محور مقاومت متجلی شده است (Mobini & Ghasemi, 2020). انواع حمایت‌های ایران اسلامی از جنبش‌های فلسطین به‌خصوص جنبش‌هایی که ماهیت اسلامی دارند، بیانگر عدم تمایل ایران برای عقب‌نشینی از مواضع خود در منطقه غرب آسیاست. این حمایت‌ها شامل حمایت‌های مالی، نظامی و تسلیحاتی، سیاسی و معنوی، رسانه‌ای و تبلیغاتی می‌شود (Abu Amer, 2020).

سیاست خارجی ایران و محور مقاومت

در دوران بی‌ثباتی و احتمال نفوذ کمونیسم در آن، نگرانی آمریکا از تنها ذینفع بودن شوروی در ایران، موجب هم‌دستی آمریکا با سرویس اطلاعاتی انگلیس و حمایت‌شان از کودتا علیه مصدق شد. اوباما نیز طی یک سخنرانی رسمی در قاهره، نقش آمریکا را در این

کودتا براساس شواهد و اسناد تأیید کرد. این کودتا، سرمنشأ احساسات ضدغربی و درک منفی ایرانیان از انگیزه‌های آمریکایی و سیاست‌هایشان در قبال ایران است (Richards, 2015: 11-12). در گذر تاریخ، تهاجم، استثمار، سیاست‌ها و اقدامات اشغالگرانه انگلیس و شوروی احساسات ایرانیان را خدشه‌دار کرده است (Ramezani, 2010). انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و کودتای سال ۱۹۵۳ نشان از دیکتاتوری شاه، همچنین ایجاد ساواک به کمک موساد و سیا به نمایندگی از آمریکا و اسرائیل، مورد نفرت ایرانیان بوده است. این نفرت و مخالفت به‌واسطه روشنگری‌های امام خمینی (رحمه الله علیه) به انقلاب تبدیل و به این ترتیب مقام ولایت و قانون اساسی در ایران تثبیت شد. در پی این رخدادها، همراهی مردم ایران با ایدئولوژی ضدغربی امام خمینی (ره) و انزجارشان از حاکمیت شاه و نیز تلاش آمریکایی‌ها برای دستیابی به منافع ازدست رفته در ایران، باعث گروگان‌گیری و سر دادن شعارهای ضدآمریکایی و تأثیر انقلاب ایران در فراتر از مرزها شد (Richards, 2015: 13-14). غیرت، احترام و عزت نفس از خصوصیات و ارزش‌های پسندیده ایرانیان است و تحقیر، تهدید و فشار را برنمی‌تابند. «ملت ایران، ملت غیوری است. ملت ایران خوشش نمی‌آید که بیايند تهدید کنند که اگر شما چنین کردید، ما چنان می‌کنیم! ما از تهدید بدمان می‌آید و ملت ایران زیر بار هیچ تهدیدی هم نخواهد رفت» (Khamenei, 2009: 1). با این وصف، ایران را محور شرارت خواندن، با وجود تحریم‌های شدید علیه ملت ایران ادعای حمایت داشتن و با زبان تهدید و فشار سخن گفتن، از نظر مردم ایران بی‌احترامی تلقی می‌شود (Ramezani, 2010) و به بیگانگان اجازه نمی‌دهند در امور داخلی کشور دخالت کنند. «ملت ایران اجازه نمی‌دهد که هیچ مملکتی در امور داخلی او دخالت کند و آزادی و استقلال خودش را حفظ می‌کند و با تمام کشورها هم به‌طور متقابل عمل خواهد کرد» (Mousavi Khomeini, 1993: 146). امام خمینی (ره) معتقد به نفی هر نوع سلطه در سیاست خارجی است که این برگرفته از آموزه‌های اسلامی بوده و احیای هویت اسلامی مسلمانان و اشاعه اسلام را در سراسر دنیا از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی عنوان می‌کند. «تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم ... کشته

بشویم تکلیف را عمل کرده‌ایم؛ بکشیم هم تکلیف را عمل کرده‌ایم» (1993: Mousavi Khomeini251).

اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری را نفی کرده و بر حفظ استقلال همه جانبه و دفاع از حقوق همه مسلمانان تأکید دارد. «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحابرب استوار است» (Ghanon-e asasi, asl-e 152) که این مطلب برگرفته از متن قرآن است. «...لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (Baqarah: 279) و تنها لازمه ظلم نکردن و ظلم نپذیرفتن را در رعایت ایمان و تقوا بیان می‌کند. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (Araf: 96) که پیروزی و بهره‌مندی از برکات الهی هم در انحصار پای‌بندی عملی و نظری به موارد ایمان و تقواست. آیات قرآن، نه تنها متناقض با همدیگر نبوده بلکه در صدد تنبه و توجه انسان به آرمان‌ها و عدم غفلت از واقعیت‌ها هستند (Roshanzamir & Arabiayask, 2020). در دیدگاه امام خمینی (ره) نقشه صدور انقلاب ناظر بر حفظ و پویایی، در قالب تصمیم راهبردی تشکیل شده که دو بُعد ملی و دینی را شامل می‌شود. بُعد دینی آن وظیفه و تکلیف تعطیل‌ناپذیر مسلمانان و بُعد ملی آن حفظ و حراست کانونی جریان جهان‌گرایی اسلامی است که در صورت حبس و حصر در درون مرزهای جغرافیایی، با قطعیت شکست خواهد خورد (Parvaneh, 2010). اهمیت توان و ظرفیت ملت ایران در حراست و پاسداشت انقلاب است که به رغم سایر انقلاب‌ها این ملت توانسته دستاوردهای آن را از انحراف و گزند دشمنانی مثل آمریکا و اسرائیل حفظ و حراست کند (Khamenei, 2013: 1). در سختی‌ها و پیروزی‌ها، نباید دست از آرمان‌های انقلاب برداشت «فَلِإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» (Ensherah: 7) همین که کاری تمام می‌شود باید برای کار دیگر که تداوم آن است مهیا شده و اقدام کرد (Khamenei, 2014: 1).

آنچه سیاست خارجی ایران انقلابی را از سایر دولت‌های انقلابی متفاوت می‌سازد، اسلامی و شیعی بودن آن است. ایدئولوژی اسلامی مانع و عامل مهمی برای انتخاب چارچوب مفهومی مناسب برای تحلیل سیاست خارجی این کشور است. با توجه به اینکه منشأ نظریه‌پردازی و خط مشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی علما هستند، این سیاست‌ها گنج‌کننده و غیر قابل پیش‌بینی است. بنابراین، تضاد و تعارض میان ماهیت فراملی‌گرایی اسلامی، سیاست خارجی ایران و نظام فعلی روابط بین‌الملل و ستفالی، اصلی‌ترین دلیل سردرگمی در شناخت سیاست خارجی این کشور است. سیاست خارجی ایران اسلامی ترکیبی از مدیریت عملی صدور انقلاب و تداوم در وظایف و رویه‌هاست (Poostinchi, 2017).

شهید سلیمانی، سردار و فرمانده سپاه قدس، منافع ملی را در صدر همه فعالیت‌ها عنوان کرده و همه اقدامات را در راستای تأمین آن می‌داند. حتی حمایت از اسلام را نیز جزئی از منافع ملی تلقی می‌کند. «... در جمهوری اسلامی هیچ اقدامی و تصمیمی به منصف ظهور نمی‌رسد مگر اینکه منافع ملی ایران مد نظر قرار می‌گیرد ... هیچ تصمیمی از نظام بدون منافع ملی در هیچ کجا به مورد اجرا گذاشته نمی‌شود مگر منافع ملی در صدر اون هست. اسلام هم و حمایت از اسلام هم جزء منافع ملی است. ما بدون اتکا به اسلام نمی‌توانستیم این قدرت مقاومت را داشته باشیم» (Soleimani, 2019: 1). بنابراین کشورها باید مشروعیت انقلاب اسلامی ایران را به رسمیت بشناسند و ارزیابی واقع‌بینانه‌ای از قدرتش در خاورمیانه به عمل آورند (Ramaniez, 2010).

انقلاب اسلامی ایران یکی از عمیق‌ترین و مهم‌ترین تحولات در تاریخ غرب آسیا بوده و کلید درک سیاست قدرت امروز در منطقه است (Krasna & Meladze, 2021). نگرش ایران به بحران‌های منطقه‌ای سوریه و یمن، مشارکت سازنده است. موضع ایران روند مبتنی بر همکاری و الگوی سیاست منطقه‌ای آن براساس راه‌حل صلح‌آمیز و عدم دخالت در امور داخلی کشورهاست (Poostinchi, 2017). اهداف استراتژیکی ایران در غرب آسیا دارای چندین هدف کلیدی است که سوریه از همه آن‌ها حیاتی‌تر است. به‌دلیل اتحاد قدیمی و

نزدیک سوریه با ایران، حفظ بقا و امنیت آن از منافع اصلی و امنیت ملی ایران محسوب می‌شود. ایران به واسطه خاک سوریه از نزدیک به رژیم صهیونیستی دسترسی دارد (Krasna & Meladze, 2021). قرار گرفتن سوریه در معرض اسلام سیاسی بنیادگرا و سیاست‌های ضد صهیونیستی آن که در جهت آرمان‌های جمهوری اسلامی است خطر روزافزونی برای کشورهای منطقه محسوب می‌شود (Shirazi & arsehP, 2015). با توجه به اینکه جمهوری اسلامی تعامل با موجودیت نامشروع رژیم صهیونیستی را متضاد با سیاست‌ها و اصول خود می‌داند، حزب الله لبنان به عنوان دومین متحد بازدارنده ایران (Krasna & Meladze, 2021) و نیز سایر متحدانش در غرب آسیا از این اصل تبعیت کرده و هژمونی آمریکا را به چالش می‌کشند. در نتیجه رژیم صهیونیستی را دچار معضل امنیتی می‌کنند (Darvish, 2022: 1478).

سیاست خارجی آمریکا در غرب آسیا و شمال آفریقا

در آمریکا افزایش اعتبار دین، به علت مبدل شدن آن بر وسیله‌ای برای تحلیل کاستی‌ها و ارتقای جامعه به واسطه جبر ساختار قدرت بوده است. با برخورداری دین از این منزلت اجتماعی، لیبرالترین سیاستمداران هم در تبلیغات سیاسی‌شان به این منزلت کلیدی معترفند. البته مذهب در آمریکا، ابزاری برای توجیه ذهنی مردم و بهبود و تثبیت مقام و منزلت صاحبان سیاست و قدرت بوده است (Daheshiar, 2010: 238-240). نقش وسیع ایده‌ها در اهداف سیاست خارجی آمریکا به شفافیت در کارکرد راهبردی آن‌ها در تحقق اهداف این کشور منجر می‌شود (Daheshiar, 2010: 85). یهودیان سکولار حوزه‌های فرهنگی شمال و شمال شرق آمریکا نقش وسیعی در شکل‌گیری جنبش نومحافظه‌کاری داشته و قدرتشان در پایگاه‌های مردمی ریشه دارد و الزاماً مذهبی‌اند (Daheshiar, 2004: 85) لذا سیاست خارجی آمریکا ارکان حیات‌بخش بین‌الملل‌گرایی خود را حفظ کرده است، اما نظریات تحلیلی آن در حال تحول است (Daheshiar, 2004: 91). آمریکا همیشه در پی استحکام، گسترش و تثبیت به قدرت و نفوذ خود است (Daheshiar, 2004: 160). این

سیاست‌ها زمانی موفق می‌شوند که علاوه بر اینکه از منافع ملی نشئت گرفته و به نتایج بین‌المللی آن‌ها توجه شده باشد (Daheshiar, 2008: 69). ازجمله علایق و منافع آمریکا در غرب آسیا، منابع انرژی و نفت است. همچنین جلوگیری از گسترش سلاح هسته‌ای توسط دولت‌ها و کشورهای متخاصم علیه امنیت نفت، امنیت آمریکا و به‌ویژه امنیت رژیم صهیونیستی از دیگر منافع اساسی و کلیدی آمریکا در این منطقه است که متوقف شدن راکتور هسته‌ای عراق توسط این رژیم و حمله‌اش به سوریه به همین مسئله مربوط می‌شود. آمریکا برای تأمین منافع خود از ابزارهایی مثل حملات پهپادی، همکاری‌های دفاعی، توافقنامه‌ها، مبارزه با تروریست و تشکیل پایگاه‌ها در منطقه خلیج فارس استفاده می‌کند. تنها هدف آمریکا، حفظ برتری خود در منطقه است و برای دستیابی به آن از تمام عناصر قدرت ملی و نظامی خود بهره می‌برد. دکترین کارتر ۱۹۸۰، که هرگونه تلاش قدرت خارجی را جهت کنترل منطقه خلیج فارس، حمله به منافع حیاتی آمریکا تلقی کرده و ممانعت از آن را توسط هر نوع ابزاری مجاز دانسته است (Zulfaqar, 2018).

با وجود آنکه سابقه روابط تاریخی آمریکا و آفریقا به دوران برده‌داری و استعماری برمی‌گردد، برخی سیاست‌های آمریکا در این قاره دچار تغییر شده و از دوران جنگ سرد، مصر به‌عنوان اولین کشور آفریقایی مورد توجه آمریکا واقع شد که ناشی از الزام رقابت آمریکا و شوروی بود، زیرا نمی‌توانست از اهمیت ژئوپلیتیکی آفریقا چشم‌پوشی کند (Cameron, 2022: 1). لذا پس از فروپاشی شوروی، کشورهای تحت حمایت آن، ناگزیر تحت تأثیر و ترویج دموکراسی آمریکایی قرار گرفتند (Janardhan, 2023: 1)، اما فرایند دموکراسی‌سازی در آفریقا دچار چالش و شکست شد. از این رو پس از حادثه یازده سپتامبر تمام سیاست‌های حقوق بشری و دموکراتیک، جای خود را به مبارزه با تروریسم داد. به طوری که صرفاً حافظ منافع ایالات متحده آمریکا بوده و کارآیی دیگری ندارد (Freedom in the World, 2024: 1). از این رو وجود پایگاه‌های نظامی موقت و دائم آمریکا ازجمله منافع استراتژیک آمریکا در قاره آفریقا است (Tures, 2020: 1).

تضادهای ایران و آمریکا در غرب آسیا و شمال آفریقا

پیروزی انقلاب اسلامی و در رأس قرار گرفتن امام خمینی (ره) منافع آمریکا را از بین برد و عدم اعتماد ایشان به آمریکا موجب منع و محرومیت این کشور از ایران شد. دخالت آمریکا در جنگ ایران و عراق نیز باعث شد ایرانیان هرچه بیشتر نسبت به آمریکا بی‌اعتماد شوند. جنگ ایران و عراق، به دلیل آنکه هر دو کشور در تولید و صادرات نفت به بازار جهانی بودند، جریان آزاد نفتی را تهدید می‌کرد. از این رو آمریکا به‌خاطر ترس از شکست عراق، تصمیم به ایفای نقش بیشتر در این درگیری گرفت و به صدام و نیروهایش کمک‌های تسلیحاتی، فناوری و اطلاعاتی رساند. استفاده از گازهای شیمیایی و خردل توسط عراق علیه ایران به‌واسطه کمک‌های آمریکا، با وجود ممنوعیت سلاح شیمیایی، نشان از دخالت و دشمنی آمریکا و تضاد و تعارض منافعی با ایران است. در جنگ تانکرها میان ایران و عراق جهت تضعیف ایران اسلامی به‌واسطه از میان بردن نفتکش‌های صادراتی نفت، نیروهای دریایی غرب به رهبری آمریکا، تأمین امنیت کشتیرانی کشورهای خلیج فارس و عراق را برعهده داشت. مورد هدف قرار گرفتن هواپیمای تجاری و مسافربری ایران توسط آمریکا، دلیل روشنی از ورود این کشور به جنگ به نفع عراق و علیه ایران است. با وجود آتش‌بس میان ایران عراق و تعاملات بین ایران و آمریکا، هنوز هم چالش‌هایی میان این دو کشور وجود دارد (Richards, 2015: 15-18). در زمان‌های اخیر نیز به‌واسطه روابط خصمانه میان ایران و آمریکا، جمهوری اسلامی تهدید بالقوه‌ای برای جریان آزاد نفت در منطقه به‌شمار می‌رود (Zulfaqar, 2018).

جمهوری اسلامی ایران در سوریه، بنای راهبرد اصلی خود را حفظ بشار اسد در قدرت گذاشت. آمریکا هم در مقابل، همراه با هم‌پیمانان منطقه‌ای خود بنا را بر سرنگونی بشار اسد داشتند. بنابراین دشمنی اصلی بر مبنای بشارزدایی معنا می‌یافت (Erfanifar, 2021). ایران در سوریه از موضع و موقعیت قدرتمندی برخوردار بوده و پیشگیری ایران و روسیه از فروپاشی دولت بشار اسد، همچنین حمایت حزب‌الله لبنان از این کشور به یاری نیروهای ایرانی، موجب بازپس‌گیری قسمت‌های اشغالی سوریه شد.

حمایت ایران از یمنی‌ها به‌عنوان مقاومت شیعه، این منطقه را به حوزه قدرتمند ایران تبدیل کرده که استفاده از موشک‌های ساخت ایران توسط یمن هشدار برای خروج سعودی‌ها از یمن بود. با وجود این، جمهوری اسلامی هنوز به‌طور کامل در جایگاه تصمیم‌گیری تعیین‌کننده برای نیروهای نظامی خاورمیانه قرار نگرفته است (Mossalanejad, 2018) و آمریکا همچنان در تلاش است تا قدرت هژمون منطقه باقی بماند.

از آنجا که حمایت‌های همه‌جانبه ایران از فلسطین نشانگر عدم عقب‌نشینی ایران از منطقه است، آمریکا تلاش دارد توسط معامله قرن مسئله فلسطین را ضایع کند و ایران در مقابل این توطئه رابطه را هبردی و پایدار با فلسطین ایجاد کرده است (Abu Amer, 2020). سیاست‌های امنیتی آمریکا در دوره ترامپ، مقابله با اهداف راهبردی ایران و ایجاد توازن مجدد در امنیت منطقه‌ای است. مواضع ترامپ با ایران متناقض بوده و او به شدت و آشکارا ضد ایران است (Poostinchi, 2017). اختلافات جدی ایران و آمریکا در طول زمان بیشتر شده و توافقات برجام و محدودیت‌های هسته‌ای ایران هم به مشکلات غرب آسیایی این دو کشور خاتمه نمی‌دهد (Richards, 2015: 112). سیاست‌های ضد ایرانی ترامپ با پیروزی در انتخابات و روی کار آمدن او پس از بایدن، تنش‌ها را بیشتر هم خواهد کرد. شعله‌ور شدن آتش اختلافات در سوریه حاکی از این مدعاست. بدون تردید اتفاقات سوریه، نقشه مشترک آمریکا و صهیونیست است. اما آمریکا جایای قرصی نمی‌تواند برای خود ایجاد کند، زیرا جبهه مقاومت، آمریکا را به واسطه تفکر و ایمان و مکتب مقاومتی خود اخراج خواهد کرد. لذا فشار آوردن به مردم غرب آسیا، نه تنها آن‌ها را دچار ضعف و سستی نمی‌کند بلکه قوی‌تر هم می‌شوند (Khamenei, 2025: 1). بنابراین تضادهای اساسی بین دو کشور ایران و آمریکا در منطقه غرب آسیا وجود دارد. برخی از این تضادها عبارت است از:

اصول و مبانی

صراحت جمهوری اسلامی ایران برای کنشگری در عرصه بین‌المللی مبنی بر آموزه‌های اسلامی است که مطابق با ماده ۵۲ منشور ملل با عنوان دفاع مشروع است. پویایی ساختار قدرت در

خاورمیانه تأثیر تحولی چشمگیری در جایگاه و سیاست خارجی کشورها دارد. با ورود مفهوم تقابل با نظام سلطه به ادبیات بین‌الملل، در اثر پیروزی انقلاب اسلامی، مستشارانی از سوی ایران به لبنان فرستاده شدند که موجب شکل‌گیری حزب‌الله و خروج نیروهای رژیم صهیونیستی از خاک آن شد. بنابراین آمریکا جهت حفظ هژمونی خود و تأمین منافع رژیم صهیونیستی، حملاتی به عراق و لبنان و غزه و افغانستان انجام داد (Darvish, 2022: 5-15). ماهیت انقلابی و تغییر شرایط موجود در نظام حاکم ایران اسلامی، باعث به‌کارگیری سیاست تقابلی قدرت‌های بزرگ در مقابل ایران بوده است (Talei hur et al., 2017). وجود تعارض بین نظام بین‌الملل و ستفالی، سیاست خارجی ایران، ماهیت فراملی‌گرایی اسلامی و استمرار سیاست وظیفه که ماهیتی عملی دارد، بر منطقه غرب آسیا متمرکز بوده و شامل ایدئولوژی و استراتژی درهم‌تنیده‌ای به‌خصوص درمورد فلسطین و رژیم صهیونیستی است (Poostinchi, 2017). با شهادت اسماعیل هنیه و یحیی سنوار، مردم غزه و فلسطین متوقف نشده و با انگیزه بیشتری ایستادگی کردند. شهادت سید حسن نصرالله نیز نه تنها مقاومت را ضعیف نکرد، بلکه با قدرت ایستاد، تا جایی که طرف صهیونیستی درخواست آتش‌بس داد. جمهوری اسلامی ایران نیز به یاری خداوند متعال قوی‌تر می‌شود (Khamenei, 2025:1).

منابع نفت و انرژی

غرب آسیا منطقه‌ای بی‌ثبات است که با چالش‌های زیادی روبه‌رو بوده و به‌دلیل شرایط استراتژیکی و غنای انرژی، موجب جذب قدرت‌ها و رقابت آن‌ها در این منطقه شده است (Zulfaqar, 2018). ذخایر عظیم نفت و انرژی از دیرباز دچار بحران و تهدید امنیتی و تروریستی و همچنین گسترش سلاح هسته‌ای بوده است. به دلیل وجود فرقه‌ها و قومیت‌های مختلف در منطقه غرب آسیا، قدرت و امنیت در آن چند پاره شده و زمینه جنگ‌های نیابتی را فراهم کرده است. از این رو هم دست بازیگران غیردولتی را در آن باز گذاشته که این، نشان از ضعف دولت‌ها در این منطقه به‌شمار می‌رود و نیز تهدیدی برای کشورهاست (Mossalanejad, 2018).

تسلیمات هسته‌ای

آمریکا تلاش‌های فراوانی جهت مهار جمهوری اسلامی ایران و عدم دستیابی آن به فناوری هسته‌ای، انجام داده است، زیرا تحمل هژمونی منطقه‌ای ایران برای آمریکا، طبق مؤلفه‌های ذخایر نفت و گاز، قدرت نرم و سخت و نیز ژئوپلیتیک، بسیار دشوار است. تأکید مقامات رسمی آمریکا به تهدید ایران حتی با وجود توافق هسته‌ای، نشان می‌دهد که تعارضات میان این دو کشور پایان‌پذیر نیست. براساس حرف‌های جاش ارنست^۱، سخنگوی کاخ سفید، پس از توافق هسته‌ای با ایران، گزینه نظامی علاوه بر اینکه علیه ایران حفظ می‌شود، بلکه برای جمع‌آوری اطلاعات بیشتر از این برنامه، تقویت هم می‌شود. با دقت و توجه به این اظهارات، می‌توان «عملیات فریب» را در آن مشاهده کرد (Talei hur et al., 2017). اطمینان دادن آمریکا به حمایت امنیتی از رژیم صهیونیستی، سبب بی‌ثباتی بیشتر غرب آسیا شده و در پی این حمایت‌ها، سخن از حمله به ایران و در جریان مذاکرات هسته‌ای پیش می‌کشد (Richards, 2015: 109) و بحث برنامه هسته‌ای ایران و عدم گسترش آن را برجسته می‌کند (Poostinchi, 2017). آمریکا از تمام ابزار خود اعم از نظامی، فناوری و اقتصادی برای حمایت از رژیم صهیونیستی در برابر ایران و علیه ایران استفاده می‌کند. در حالی که مدعی است اگر ایران از این ابزارها استفاده کند، تخلف کرده است. بنابراین روشن است که آمریکا غیرقابل اعتماد است و اگر تهران تحریم‌ها را نقض کند، آمریکا تحریم‌ها را برمی‌گرداند (Richards, 2015: 110-111) حال آنکه پیش از نقض برجام از سوی ایران، آمریکا خود از برجام خارج شد (Ganbari et al., 2023).

حقوق بشر

آمریکا از حقوق بشر در سیاست خارجی خود به‌عنوان یک مقوله نرم‌افزاری، جهت کاستن فضای اثرگذاری نیروهای متضاد و متعارض استفاده می‌کند. او از ابزار و امکانات فشار در شکل و هیئت مدیریت ادراکی و سیاست‌های برنامه‌ریزی‌شده جهت ضربه زدن بر

1. Josh Ernest

ذهن و فکر نیروی مقابل بهره می‌جوید. آمریکا تلاش دارد با ضد انسانی و مخالف حقوق بشر جلوه دادن نهضت‌ها و نظام‌های علیه خود، هر نوع تجاوز و سرکوب را علیه آن‌ها موجه سازد. در این رابطه رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرماید، هرکسی هم که از حقوق بشر دم بزند، آمریکایی‌ها حق حرف زدن ندارند، زیرا خود آمریکا بزرگ‌ترین ناقض حقوق بشر است و رژیم غاصب صهیونیستی هم با حمایت آن‌هاست که در منطقه شرارت می‌کند (Talei hur et al., 2017). جنایت‌های وسیع رژیم فاسد صهیونیستی در غزه نیز حاکی از این ادعاست. طوفان الاقصی واکنشی به این جنایت‌ها بود که حمایت اعضای محور مقاومت را به همراه داشته است (Royvaran, 2024).

مبارزه با تروریسم

آمریکا ایران را به دلیل حمایت‌هایش از حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی، به حامی تروریسم متهم می‌کند. وزارت خارجه آمریکا در آخرین گزارش سال ۲۰۱۴ ادعا کرد که پشتیبانی گروه‌های مختلفی در جای جای منطقه غرب آسیا مثل غزه، لبنان و عراق بیشتر شده است. ایران توسط نیروی قدس سپاه گروه‌های تروریستی را در خارج از کشور خود تشکیل و حمایت می‌کند. آن‌ها را آموزش می‌دهد و از نظر مالی و تجهیزات نظامی، پشتیبانی می‌کند تا از بشار اسد حمایت کنند. نیروهای قدس سپاه با هماهنگی و همکاری حزب‌الله آموزش نیروهای عراقی را در داخل و خارج آن کشور در دستور کار دارد و حماس و گروه‌های فلسطینی را نیز از نظر مالی و آموزشی تأمین می‌کند (United State Department of State, 2015: 285). وزیر امور خارجه برخی سازمان‌های تروریستی را معرفی کرده و ابزارهای مؤثری را جهت محدود کردن و تحت فشار قرار دادن فعالیت‌های تروریستی و حامیان‌شان مشخص کرده است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حماس، حزب‌الله، جبهه آزادی‌بخش فلسطین، جهاد اسلامی و جبهه مردمی فلسطین نیز جزء آن‌هاست. گروه‌های تروریستی خشونت‌آمیز اسلام‌گرا تهدید جدی برای آمریکا و منافع منطقه‌ای آن هستند و از میان آن‌ها، حزب‌الله شاخص‌ترین گروه تروریستی تحت حمایت ایران است که به تهدیداتش علیه آمریکا ادامه

می‌دهد (State.gov, 2016: 1). این در حالی است که آمریکا خود، اصلی‌ترین بازیگر پشت پرده در ظهور و افزایش توان داعش برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت است. لذا این گروهک تروریستی ابزاری برای نفوذ و مقابله با ایران اسلامی به‌شمار می‌رود. آمریکا از ظرفیت هم‌پیمانانش نیز بهره برده و با همکاری ترکیه، تروریست‌ها را استخدام کرده و آموزش داده و سپس وارد سوریه کرده است. عربستان نیز به‌عنوان رقیب ایران در غرب آسیا، نقش مهمی را در رابطه با داعش ایفا کرده است (Tarjoman & Dalirpor, 2024).

از دید آمریکا حمایت ایران از محور مقاومت، لبنان، سوریه، فلسطین و یمن، اقدام تروریستی و حمایت از تروریست است (Richards, 2015: 20). این در حالی است که ایران معتقد است براساس آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و انقلابی خود در پی کمک برای استقلال کشورهای منطقه از سیطره دخالت‌ها و شرارت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی است (Mossalanejad, 2018). بر این اساس است که مداخله آمریکا در جنگ ایران و عراق، تصویر غیرقابل‌اعتمادی در ذهن ایرانیان ایجاد کرده و ایدئولوژی انقلابی و ضدآمریکایی ایران هم دیدگاه حمایت از تروریست را به آمریکایی‌ها داده است (Richards, 2015: 15-18). کاهش تعامل آمریکا در خاورمیانه مبنی بر تأمین منافع و مبارزه با تروریسم و مهار ایران بعید بوده و تشدید درگیری‌ها در سوریه و یمن و عراق، گواه این مدعاست (Mossalanejad, 2018)، زیرا آمریکا برای ایجاد تحولات جدید به نفع خود و نقشه‌هایش، جنگ‌های نیابتی را به واسطه گروه‌های تروریستی مثل تکفیری‌ها و داعش به راه انداخت. اما جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر رویکرد مقاومتی و انقلابی خود در منطقه، انسجام ایجاد کرده و به ریشه‌کن کردن داعش پرداخت (Tarjoman & Dalirpor, 2024).

«کشته شدن سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در نزدیکی فرودگاه بغداد، یک رویداد مهم است که واشنگتن و تهران را در آستانه یک درگیری بزرگ در سراسر خاورمیانه قرار می‌دهد». از نظر جمهوری اسلامی «شهادت قهرمانانه قاسم سلیمانی» اقدام «جنایتکارانه» از سوی آمریکاست. شهادت او به

هیچ وجه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را از اهداف خود منصرف نمی‌کند و آمریکا باید منتظر واکنش‌های نامتقارن مختلفی از جانب ایران باشد (US, Iran on precipice of unpredictable Middle East war, 2020:1). عملیات وعده صادق پاسخی به تجاوزگری دشمن و بازدارندگی است. بنابراین ادامه جنگ در غزه امکان رویارویی جبهه مقاومت را با رژیم صهیونیستی فراهم آورده است. به نمایش گذاشتن تصویر حکمرانی تاب‌آور از جمهوری اسلامی ایران توسط وعده صادق، این کشور را آینده‌پذیر و آماده در برابر تهدیدات پیچیده و آشوبناک معرفی کرد. همچنین پایانی بود بر تبلیغات نفوذناپذیر پدافند هوایی رژیم صهیونیستی موسوم به گنبد آهنین (Negahdari, 2025).

صلح و امنیت منطقه‌ای

از مهم‌ترین اهداف آمریکا در منطقه غرب آسیا، ایجاد صلح پایدار میان اعراب و رژیم صهیونیستی بوده است. حفظ و توسعه منافع ملی آمریکا در این منطقه نیازمند اتحاد استراتژیکی با این رژیم است. از نظر آمریکا، ایران با تشکیل و تقویت جریان مقاومت در لبنان، فلسطین و سوریه مانع مهمی برای صلح اعراب و رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود. پاتریک کلاوسون^۱ معتقد است ایران تعادل شکننده فرایند طولانی صلح را مختل و این شکست استراتژیک را فراهم کرده است. چنانچه این صلح از بین برود، اعتبار آمریکا دچار خدشه می‌شود. پس در صورت تداوم اقدامات تضعیف‌کننده فرایند صلح از سوی ایران، باید منتظر خصومت آمریکا باشد (Talei hur et al., 2017). عملیات وعده صادق در پی تجاوزهای رژیم صهیونیستی به سفارت ایران در سوریه، روابط این رژیم را با اعراب سخت کرد (Negahdari, 2025).

در شمال آفریقا، به دلیل وجود پایگاه‌های نظامی دائم و موقت آمریکایی منافع امنیتی ایالات متحده آمریکا به‌ویژه سیاست‌هایی مبنی بر مبارزه با تروریسم، کشورهای آفریقایی را از غرب رویگردان کرده است، زیرا فعالیت‌های گروه‌های تروریستی و خشونت‌های

1. Patrick Clavson

ناشی از آن، نه تنها کم نشده بلکه به شدت افزایش یافته است (pbs, 2024:1). در مقابل، تأثیر انقلاب اسلامی ایران و اندیشه مقاومت بر کشورهای شمال آفریقایی از جمله مصر، تونس، لیبی، اردن و... خیزش‌های مردمی موسوم به بهار عربی یا به عبارتی، بیداری اسلامی را رقم زد. درحقیقت، رویگردانی مردم این منطقه از سیاست‌های استبدادی و استعماری حاکمان خود به کمک قدرت‌های بزرگی مثل آمریکا، نگرانی‌های صاحبان قدرت را برانگیخت. آمریکا این قیام‌ها و انقلاب‌ها را متأثر از محور مقاومت و اندیشه و مبانی انقلاب اسلامی ایران می‌داند و آشفتگی در کشورهای آفریقایی را متضاد سیاست‌ها و منافع خود تلقی می‌کند (Haji ei et al, 2023).

به عقیده بسیاری از تحلیلگران، جنبش‌های غرب آسیا و شمال آفریقا ملهم از انقلاب اسلامی ایران بوده است (Dareieni, 2011). درحقیقت، نهضت فکری جمهوری اسلامی ایران در قالب جنبش‌های اجتماعی و سازمان‌یافته در این مناطق ظهور و بروز یافته که براساس هویت مذهبی و ایدئولوژیکی آن است (Nordland & Kirkpatrick, 2011: 8). انقلاب اسلامی ایران ظرفیت اثرگذاری دین را بر نظام تصمیم‌گیری جهانی عرضه کرد و خودباوری را در ملت‌های مسلمان، به‌ویژه در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا به‌وجود آورد. این امر سبب جنبش‌هایی در زمینه مبارزه با صهیونیسم جهانی، مبارزه با رویکرد غرب‌گرایانه در غرب آسیا و شمال آفریقا و سوق یافتن به سمت هویت اسلامی شد (Sarayani, 2011). پس از خودسوزی بوعزیزی، جوان دستفروش تونسی، در واکنش به تحقیر وی توسط دولت، در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰، جنبش‌ها و اعتراضات تونس آغاز شد که سبب سقوط بن علی در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ گردید. این اعتراض‌ها به سیاست‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دولت مرتبط می‌شد که پیوستن مردم را به این جنبش‌ها در پی داشت. این اعتراضات به صورت زنجیروار در سایر کشورهای شمال آفریقا مانند: مصر، یمن، اردن، الجزایر و... به‌وجود آمد (Kia & Mahmoudi, 2011).

علاوه بر شمال، غرب آفریقا نیز از انقلاب اسلامی متأثر بوده و سبب گسترش تشیع و به‌وجود آمدن جنبش‌های اسلامی - شیعی شده است. یکی از مهم‌ترین این جنبش‌ها،

جنبش اسلامی به رهبری ابراهیم زکزاکی است که ابتدا توسط دانشجویان در سال ۱۹۵۴ شکل گرفت (Kenny, 1996: 344). پس از آنکه انقلاب اسلامی ایران پیروز شد، موج دومی از اسلام‌گرایی به واسطه رقابت ایدئولوژیکی بین ایران و عربستان سعودی در نیجریه شروع شد. این گرایش الهام‌گرفته از انقلاب اسلامی به‌عنوان گروه «امت» خواستار شریعت و حکومت اسلامی شد (Kane, 2003: 94-95). آشنایی زکزاکی در یکی از سفرهای خود با امام خمینی (ره) و شیعه شدن وی، راه را برای تبلیغات گسترده هموار ساخت (Sulaiman, 1999). هدف این جنبش، تشکیل یک ساختار و دولت اسلامی براساس اسلام واقعی بود (Onapajo, 2017). لذا ساختار برآمده از این جنبش به شیعیان نیجریه هویت بخشیده و پیروان این جنبش، دیگر خود را در باورهای قومیتی پیشین نمی‌بینند، بلکه دارای هویت مذهبی با آموزه‌های شیعی هستند (Sulaiman, 1993).

کاربست نظریه امنیت هستی‌شناختی

اعتراضات گسترده و خیزش‌های مردمی در منطقه موسوم به بیداری اسلامی، تأثیر قابل توجهی در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است، زیرا سقوط حکومت‌های سکولار و غرب‌گرا و روی کار آمدن اسلام‌گرایان، روابط و مناسبات منطقه‌ای ایران را گسترش داده و موجب تضعیف رقیبانش در منطقه، به‌ویژه کاهش نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای مثل آمریکا شده است. از طرفی این امر موجبات تبلیغ گسترده به جهت ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی فراهم ساخته است. با توجه به نظریه امنیت هستی‌شناختی که امنیت فیزیکی را در کنار امنیت هویتی قرار می‌دهد، کشورهای ایران و آمریکا نیز در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، نسبت به منافع خود و براساس دیدگاه‌ها، آموزه‌ها و آرمان‌هایشان عمل می‌کنند. این دیدگاه‌ها و آرمان‌ها همان هویتی است که هر دو کشور بر آن پافشاری می‌کنند و پیگیر منافع خود در این مناطق هستند. آمریکا در تلاش است منافع ملی خود را که همسو با منافع رژیم صهیونیستی نیز هست در منطقه پیگیری کند و امنیت آن را تأمین سازد. علاوه بر این، منفعی همچون بهره‌مندی هر چه بیشتر از منابع و

ذخایر نفت و انرژی را در نظر داشته و در جهت حفظ و تثبیت هژمونی خود با استفاده از زور و تحمیل و فریبکاری، سعی در محدود ساختن فناوری هسته‌ای ایران دارد. آمریکا با بهره‌گیری از مفاهیم حقوق بشر و مبارزه با تروریسم منافع منطقه‌ای خود را دنبال می‌کند و آنچه از مفهوم صلح و امنیت برایش مهم است در جهت منافع خود است. در صورتی که هژمونی آمریکا به چالش کشیده شود هویت آمریکا متزلزل می‌شود.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هرچه محور مقاومت در عملکرد خود بر امنیت هستی‌شناختی پافشاری کرده، تضادهای غرب آسیایی و شمال آفریقایی ایران و آمریکا تشدید یافته است، زیرا طبق مفهوم امنیت هستی‌شناختی هر دو کشور براساس دیدگاه‌ها، آموزه‌ها و آرمان‌هایشان عمل می‌کنند. تلاش آمریکا برای حفظ منافع خود ازجمله بهره‌مندی از منابع و ذخایر نفت و انرژی و همچنین تثبیت هژمونی خود در غرب آسیا و شمال آفریقا و تأمین امنیت متحدان خود به‌ویژه رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا، در تضاد و تقابل با آرمان‌ها و هویت دینی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران بوده و بیداری و آگاهی ملت‌های منطقه به زیان سیاست‌های آمریکاست. غایت‌نگری دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در ایجاد نظم جهانی و تمدن نوین اسلامی، تضادهای قابل ملاحظه‌ای دارد، زیرا اساس و مبنای این دو هدف غایی، کاملاً متفاوت از هم است. از این رو تمدن نوین اسلامی مد نظر جمهوری اسلامی ایران، ایجاد نظم جدید جهانی در پرتو عدالت اسلامی است؛ در حالی که نظم نوین جهانی مد نظر آمریکا بر پایه ارزش‌های لیبرال دموکراسی و مفاهیم حقوق بشری است که تنها منافع آمریکا را فراهم می‌سازد و سایر ملت‌ها در آن جایگاهی ندارند. حتی عملکردهای دو کشور در مناطق غرب آسیا و شمال آفریقا در جهت کاهش تضادها و تعارضات هم نبوده، بلکه اقداماتی از قبیل ترور شهید سلیمانی و فرماندهان مقاومت، این تضادها را تشدید هم کرده است. لذا تعدیل در آرمان‌ها و منافع جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا امکان‌پذیر نیست.

نتیجه گیری

جمهوری اسلامی ایران اهداف و ارزش های اسلامی را نه تنها در درون مرزهای خود، بلکه فرامنطقه ای، همگانی و جهانی می داند و برای گسترش آن تلاش می کند. در جهت تحقق آرمان ها از گروه ها و کشورهای استقلال طلب و عدالت خواه حمایت می کند و با کشورهای که سلطه، ظلم و ستم را برای رسیدن به اهداف و منافعشان پیشه خود ساخته اند، تقابل و مبارزه می کند. هدف جمهوری اسلامی ایران از اقدامات خود در منطقه، علاوه بر دفاع از کشور و تأمین امنیت بین المللی، غایی ترین هدفش مستقر ساختن نظم جهانی بر پایه عدالت اسلامی یا به عبارتی تمدن نوین اسلامی است. به دلیل تقابل و تضاد عملی و نظری اقدامات آمریکا در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا با عملکرد جمهوری اسلامی ایران، طبق نظریه امنیت هستی شناختی، امکان کاهش تعارض ها و تضادها بین دو کشور وجود ندارد، زیرا آمریکا در این مناطق منافع دارد که به شدت پیگیر آن است. نهایی ترین هدف آمریکا تسلط و سیطره بر کشورها و حفظ هژمونی خود است. با توجه به اقدامات متقابل میان جمهوری اسلامی و محور مقاومت با آمریکا و نیروهای متحدش در غرب آسیا و شمال آفریقا و عملکرد آمریکا که به ترور سپهبد سلیمانی و نیز جنایت های گسترده در حمایت از رژیم صهیونیستی منجر شد، این تنش ها و تضادها بیش از پیش شدت یافت. از این رو، براساس نظریه امنیت هستی شناختی، جمهوری اسلامی ایران و آمریکا تنها زمانی می توانند تضادهای خود را در منطقه کاهش دهند که رویه های خود را تغییر دهند و آرمان های خود را تعدیل سازند که این امر برای هیچ کدام از دو طرف امکان پذیر نیست.

قدردانی

نویسندگان، مراتب قدردانی را از همکاری ها و حمایت های دانشگاه تربیت مدرس و نشریه «روابط آسیا و آفریقا» به عمل می آورند.

تعارض منافع

این مقاله با هیچ اثر یا کار پژوهشی و مطالعاتی دیگری تضاد و تعارض منافع ندارد.

References

- Abu Amer, A. (2019). The Future of Resistance Movement and Quran karim.
- Abu Amer, A. (2019). The Future of Resistance Movement and its Role in the Light of Iran-US Rising Tensions?, *Quarterly Journal of Palestine Strategic Discourse*, 1(2), 119-134. SID. <https://sid.ir/paper/395786/en>. [In Persian]
- Cameron, H. (2022) the u.s. toolkit to address the military coup in sudan, csis, available at: <https://www.csis.org/analysis/us-toolkit-address-military-coup-sudan>
- Daheshiar, H. (2004). *American Foreign Policy in Asia*. Tehran, Abrar Moaser Cultural Institute for International Studies and Research. [In Persian]
- Daheshiar, H. (2008). *Foreign Policy and Grand Strategy of the United States of America*. Tehran Ghoumas. [In Persian]
- Daheshiar, H. (2010). *American Foreign Policy (Liberal Realist)*. Tehran, Third Line. [In Persian]
- Darvish, R. (2022). *Resistance and the Axis of Resistance; Theory and Practice*. Tehran, Abrar Moaser International Cultural Institute for Studies and Research, electronic version. [In Persian]
- Erfanifar, A. (2021). The strategic role of Hajj Qasem Soleimani in the formation of the axis of resistance and its monotheistic management, *Specialized Quarterly Journal of Transcendental Governance*, 1(1), 63-80. [In Persian]
- Fathi, M., Eivazi, M., & Pirani, S. (2021). The Position of Overseas Deterrence Strategy in the Defense-Security System of the Islamic Republic of Iran in West Asia, *Quarterly Journal of World Politics*, 9(2), 265-303. doi: 10.22124/wp.2020.15798.2426. [In Persian]
- Ghanon asasi (2023). Retrieved from: <https://www.shora-gc.ir/fa/news/4707>

- Giddens, A. (1991). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Polity.
- Gray, Colin. S. (1981), National Style in Strategy: The American Example, *International Security*, 2, 21-47.
- Hajiei, A., & Ghasemian, A., & Fallahnejad, A. (2023). The impact of the Islamic Revolution discourse on the process of Arab revolutions, *siasat-e jahani*, 11(3), doi:10.22124/wp.2022.7622. [In Persian]
- <https://www.state.gov/reports/country-reports-on-terrorism-2016>, 1401/09/20.
- Janardhan, N. (2023). Washington Should Reconsider Its Economic Gameplan in Africa, *foreign policy*, available at: <https://foreignpolicy.com/2023/05/04/us-africa-strategy-economy-trade-aid-gulf-china-india/>
- Krasna, J, Meladze, G. (2021). The “Four Plus One”: The Changing Power Politics of the Middle East. *The Moshe Dayan Center for Middle Eastern and African Studies(MDC)*, Center's website (2021).
- Karimi, A. (2018). The Role of the Islamic Republic of Iran in Giving Identity to the Resistance-Oriented Security Complex. *International Journal of Nations Research*, 2, Issue 20. [In Persian]
- Khamenei, S.A. (2008). In At the meeting of different segments of the people on the occasion of the birthday of Hazrat Ali (peace be upon him), 16 July, Retrieved from: <https://farsi.khamenei.ir/speech>. [In Persian]
- Khamenei, S.A. (2012). In a meeting with government officials, 24 July, Retrieved from: <https://farsi.khamenei.ir/speech>. [In Persian]
- Khamenei, S.A. (2013). At the students' meeting, 28 July, Retrieved from: <https://farsi.khamenei.ir/speech>. [In Persian]
- Khamenei, S.A. (2024). In a meeting of thousands of people from different walks of life about developments in the region, 11 December, Retrieved from: <https://farsi.khamenei.ir/speech>. [In Persian]

- Kia, A.A, Mahmoudi, A.S, (2011). The Role of Social Networks in the Tunisian Revolution. *Political-Economic Quarterly*, 283, 12-21. [In Persian]
- Mobini, M., & Ghasemi, B. (2020). The Achievements of the Lebanese Islamic Resistance in the Thought System of Sayyyed Hassan Nasrollah and Its Effects on the Security of the Axis of Resistance, *afagh-e amniat*, doi:20.1001.1.25381857.1398.12.44.1.5. [In Persian]
- Mossalanejad, A. (2018). The Middle East Security and Donald Trump's Grand Strategy. *Geopolitics Quarterly*, 4. [In Persian]
- Mousavi Khomeini, R. (1993). *Sahifeh Imam*. Volume 22, Tehran: Institute for the Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini. [In Persian]
- Ostovar, A. (2016), *Vanguard of the I mam: Religion, Politics and Iran's Revolutionary Guards* UK: Oxford University Press.
- Parvaneh, M. (2009). Imam Khomeini on exporting revolution as a way toward globalization, *ensan pazhuhi-ye dini*, 6(19), 171-183. [In Persian]
- Pbs, (2024). U.S. military defends Africa strategy in light of coups and a drift toward Russia, available at: <https://www.pbs.org/newshour/world/u-s-military-defends-africa-strategy-in-light-of-coups-and-a-drift-toward-russia>.
- Poostinchi, Z. (2017). Rebalancing of Iran's Regional Role in U.S Policy", *Geopolitics Quarterly*, 12.
- Ramezani, R. (2010). Understanding Iran's Foreign Policy. *Quarterly "ravabet-e khareji"*, 1(1). [In Persian]
- Richards, Aaron Michael Craig. (2015), "Iran as a Strategic Threat to the United States in the Middle East and Its Impact on US Policy in the Region", Missouri State University, *Defense and Strategic Studies*.
- Roushanzamir, M. Arabi Ayask, A. (2020).The Realistic Idealism from Quranic Point of View, *Amuzeha-ye Gorani*, 16(29), 175-198. doi: 10.30513/qd.2019.178. [In Persian]

- Royvaran, H. (2024). "Al-Aqsa Storm" is becoming "Al-Aqsa Tsunami", *mahnameh-ye pasdar-e islam*, Retrieved from: <http://pasdareeslam.com/45943>. [In Persian]
- Sarayani, (2011), Reflections of the Islamic Revolution in the Islamic Awakening of the Middle East, *Payam Enghelab*, 49, 38-39. [In Persian]
- Shirazi, A. Parseh, R. (2015). The Triple Alliance of Iran, Syria and Hezbollah and Its Influence on America's Interests in the Middle East, *Journal of siast-e jahani*, 3, 73-113. [In Persian]
- Soleimani, G. (2019). Speech at the 1747th Martyr Memorial in Babol City, focusing on the 40 martyrs defending the holy shrine of Babol City, 22 February, Retrieved from: <https://www.aparat.com/v/vzgkc0z>. [In Persian]
- Taremi, K. (2014), Iranian Strategic Culture: The Impact of Ayatollah Khomeini's Interpretation of Shiite Islam, *Journal of Contemporary Security Policy*, 35, Issue 1.
- Talei Hur, R, Omid, A, Basiri M. Identity-Based Agents of Opposition in IRI and USA Relations. *Scientific Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies* 2016; 13 (45) :71-90, URL: <http://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-336-fa.html>. [In Persian]
- Tarjoman, F. Dalirpoor, P. (2024). Analysis of the role of the Islamic Republic of Iran in the defeat of the ISIS terrorist group based on the resistance axis approach, *faslnameh-ye elmi-ye motaleat-e bidari-ye eslami*, 12(4), 7-29. [In Persian]
- United State Department of State, 2015.
- US, Iran on precipice of unpredictable Middle East war-DW-2020/03/01, 1401/09/20

- Vazirian, A. (2021). The Advisory Forces of the Islamic Revolution and Transformation of Iran's Regional Policy in 2003-2020, *afagh-e amniat*, 13(49), 55-84. [In Persian]
- Zulfaqar, S. (2018), "Competing Interests of Major Powers in the Middle East: The Case Study of Syria and Its", Implications for Regional Stability, *PERCEPTIONS*, Volume XXIII, Number 1.
- Zurita, Ch. (2024). Freedom in the World 2024: Regional Trends and Threats to Freedom, freedom house, February 29, 2024, available at: <https://freedomhouse.org/report/freedom-world/2024/mounting-damage-flawed-elections-and-armed-conflict/regional-trends>.